

## دفاع از قرآن کریم و اعجاز آن در سخنان امام حسن عسکری علیه السلام

زهرة اخوان مقدم<sup>۱</sup>

### چکیده

یکی از مباحث علوم قرآنی، همانندناپذیری و اعجاز قرآن است که در زمان نزول و پس از نزول قرآن مورد بحث مسلمانان و سپس مستشرقان قرار گرفته است. از معصومان علیهم السلام نیز سخنان فراوانی در این زمینه بر جای مانده که سخنان امام حسن عسکری علیه السلام محور تحقیق حاضر است. همچنین امام عسکری علیه السلام به تناسب شرایط زمانه خویش به دفاع از قرآن کریم پرداختند. دلیل انتخاب فرمایشات ایشان به عنوان محور پژوهش، آن است که پردازشی مستقل از احادیث امام عسکری علیه السلام ذیل موضوع اعجاز و دفاع از قرآن کریم دیده نشد. روش گردآوری اطلاعات در این نگارش، کتابخانه‌ای و پردازش آن توصیفی - تحلیلی است. این پژوهش نشان می‌دهد که در سخنان امام، اشاره به «تحدی قرآن کریم»، «اعجاز ادبی قرآن»، «اعجاز عدم اختلاف در قرآن»، «وجود اخبار غیبی در قرآن» و «اعجاز هدایتی قرآن» به عنوان جنبه‌های همانندناپذیری این کتاب آسمانی وجود دارد و ایشان با پاسخ به شبهات به دفاع از قرآن می‌پردازند.

### واژگان کلیدی

اعجاز ادبی، تحدی قرآن، اختلاف نداشتن آیات قرآن، اعجاز هدایتی قرآن، شبهات قرآنی، علوم و معارف قرآن و حدیث

## درآمد

یکی از مباحثی که در زمان نزول قرآن و پس از آن مورد توجه قرار گرفت، اعجاز و همانندناپذیری قرآن کریم است. ریشه این بحث به خود قرآن بازمی‌گردد. آیات ۴۹ قصص، ۸۸ اسراء، ۳۸ یونس، ۳۴ طور، ۱۳ هود و ۲۳ بقره برای اثبات رسالت رسول اکرم ﷺ و وحیانی بودن قرآن از مخالفان می‌خواهد که اگر در حقانیت رسالت آن حضرت و کتابش شک دارند، کتابی مانند قرآن بیاورند. به این آیات، در اصطلاح، آیات تحدی گفته می‌شود. گفتنی است که واژه تحدی به معنی مبارزه طلبی است و با سنخ هدایتی قرآن تناسب ندارد. به عبارت دیگر، شأن هدایت‌گری قرآن بر جنبه راهنمایی مردم به سوی خدا تأکید دارد و نیازی به تحدی ندارد.<sup>۲</sup> از این رو به نظر می‌رسد که جداسازی این مصطلح از معنای لغوی‌اش، بهتر باشد.<sup>۳</sup> بر اساس آیات یادشده، ناتوانی مردم در ارائه مثل قرآن، اثبات‌کننده حقانیت قرآن است.

اهل بیت علیهم‌السلام به تاسی رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم، از اعجاز قرآن دفاع نموده و هر کدام به وجوهی از اعجاز به فراخور مسائل پیش آمده، اشاره کرده‌اند. امام حسن عسکری علیه‌السلام نیز با توجه به جریان‌های عصری و رخدادهای معاصر خویش، درباره قرآن سخن گفته و به وجوه اعجاز آن اشاره فرموده‌اند. همچنین ایشان به دفاع از قرآن کریم در حوزه‌های مختلف پرداخته‌اند.

این پژوهش، دنبال پاسخ به این پرسش است که امام حسن عسکری علیه‌السلام چگونه و در چه محورهایی به موضوع دفاع از قرآن و اعجاز آن پرداخته‌اند؟  
روش جمع‌آوری مطالب در این پژوهش، کتابخانه‌ای بوده و پردازش آن به صورت توصیفی - تحلیلی است.

بیشتر درباره دیدگاه اهل بیت علیهم‌السلام نسبت به اعجاز قرآن کریم، سخن گفته شده و نگاشته‌هایی در این عرصه وجود دارد ولی هیچ نگارش مستقلی درباره اعجاز از نگاه امام عسکری علیه‌السلام و دفاع ایشان از قرآن کریم، دیده نشد.

۲. ن. کذ مقالات نویسنده در مجله گلستان، ش ۹ و ۱۱.

۳. ن. کذ مقاله قرآن و آیات تحدی، مجله گلستان، ش ۹ و ۱۱.

## الف) مفهوم اعجاز و کاربرد آن

پیش از ورود به بحث لازم است که اعجاز و وجوه آن بررسی شده و حدود آن مشخص شود.

### ۱. اعجاز قرآن در لغت و اصطلاح

اعجاز در لغت، مصدر باب «افعال»، از ریشه «ع.ج.ز» و به معنای ناتوان ساختن یا ناتوان یافتن کسی یا چیزی است.<sup>۴</sup>

اعجاز در اصطلاح علوم قرآنی، یعنی کسی که مقامی را از ناحیه خداوند متعال برای خود ادعا می‌کند، باید به عنوان گواه بر صدق گفتارش عملی را انجام دهد که به ظاهر، بر خلاف قوانین خلقت و خارج از مسیر عادی و طبیعی است و دیگران از انجام دادن آن، ناتوان هستند، این چنین عمل خارق‌العاده‌ای را «معجزه» و انجام دادن آن را «اعجاز» می‌نامند.<sup>۵</sup>

بنابراین اعجاز یعنی ناتوان ساختن یا ناتوان یافتن فرد یا گروهی در یک عمل خارق‌العاده. اگر فردی که چنین عملی را انجام داده، ادعای مقامی از جانب خداوند داشته باشد، ناتوانی دیگران از انجام آن، دلیل صحت ادعای او خواهد بود.

### ۲. واژه «اعجاز» در قرآن و حدیث

واژه اعجاز در قرآن نیامده و خداوند متعال برای انتقال مفهوم آن از واژه‌هایی چون «بینه»، «آیه» (اعراف، ۷۳ و ۱۰۶)، «برهان» (قصص، ۳۲)، «سلطان» (ابراهیم، ۱۱)، «بصیرت» (انعام، ۱۰۴) و «شئ مبین» (شعراء، ۳۰) استفاده کرده است.

در روایات نیز واژه اعجاز چندان کاربردی ندارد. کلمه «معجزه» نخستین بار در روایتی از امام سجّاد علیه السلام دیده شده و موضوع «اعجاز در نظم» در سخن امام رضا علیه السلام مشاهده می‌شود.<sup>۶</sup>

۴. مفردات الفاظ القرآن، ص ۵۴۷.

۵. بیان در علوم و مسائل کلی قرآن، ص ۵۲.

۶. ن. کتبه بحار الانوار، ج ۱۱، ص ۷۱ و ج ۲۱، ص ۲۳۸.

۷. ن. کتبه بحار الانوار، ج ۱۷، ص ۲۱۰.

## ب) تلاش‌های امام حسن عسکری علیه السلام در دفاع از قرآن کریم

بر اساس حدیث متواتر ثقلین، امامان شیعه هرگز از قرآن جدا نمی‌شوند؛ لذا تعجبی ندارد که همه فعالیت‌ها و سخنان آنان حول محور قرآن باشد.

دوران شش‌ساله امامت امام عسکری علیه السلام در شرایط خفقان بود؛ ولی ایشان به شکل‌های مختلفی به فعالیت‌های امامانه خویش می‌پرداختند. در این دوران شیعیان بسیاری از روی ترس، به نیشابور، قم و ری مهاجرت کردند. این گروه، از تماس حضوری با امام محروم بودند. از این رو مکاتبه و تعیین وکیل راهی برای ارتباط‌های پنهانی بود. از سوی دیگر، حفظ میراث حدیثی شیعه از وظایف امام بود که به این منظور، شاگردان خاصی را تربیت فرمودند.

روایات امام حسن عسکری علیه السلام در حوزه قرآن کریم دو رویکرد دارد. نخست درباره چستی قرآن و معرفی عظمت و جایگاه و اوصاف کلام خداست. دوم، شرح و تفسیر آیات قرآن است. گروه نخست، محور این پژوهش است.

### ۱. پاسداری از قرآن و هویت آن

از آنجا که رسول اکرم صلی الله علیه و آله برای تغییر عادات و اعتقادات غلط مبعوث شدند، طبیعی بود که مورد هجوم لجاجان قرار گیرند. این حملات هم در حوزه اعتقادات بود؛ مانند توحید، نبوت و معاد و هم در حوزه قرآن کریم؛ مانند بیحرشمردن قرآن، شعردانستن آن و افترا و اساطیر خواندنش. گزارش اینها و نمونه‌های دیگر با رد و جواب در قرآن کریم بیان شده است. مخالفت دشمنان به همین شبهه‌ها ختم نشد و در عصر همه ائمه، اشکال‌ها و شبهه‌های جدیدی در حمله به قرآن به وجود آمد. غالب این شبهات از سوی یهودیان و مسیحیان به اسلام وارد شد. برخی از این شبهه‌ها در دوران حیات امام حسن عسکری علیه السلام ایجاد و یا تکرار شده و پاسخ‌های قابل توجه آن امام را در پی داشته است. در ادامه به سه شبهه و پاسخ امام اشاره می‌شود.

#### ۱/۱. پاسخ امام حسن عسکری علیه السلام به شبهه وجود تناقض در قرآن کریم

یکی از فعالیت‌های مخالفان قرآن و زندیقان که بیشتر در عصر امیر مؤمنان و امام عسکری علیه السلام دیده می‌شود، تلاش برای یافتن تناقض در بین آیات قرآن یا «تناقض‌گیری» است.<sup>۸</sup>

۸. در عصر امام علی علیه السلام نمونه این کار دیده می‌شود؛ در حدیث «ابو معمر سعدانی» که حدود ۱۵ صفحه است، شخصی، تعداد زیادی از آیات را که به زعم او با هم تناقض دارند، نزد امام علی علیه السلام مطرح می‌کند. امیر مؤمنان علیه السلام می‌فرمایند: «هاتِ ما شککت». یعنی بیاور آنچه را شک کرده‌ای و خیال کرده‌ای متناقض است. سپس یک به یک همه را پاسخ داده و رفع شبهه می‌نماید و سؤال‌کننده

در عهد امام حسن عسکری علیه السلام شخصی به نام «اسحاق کندی» همین رویه را در پیش گرفته و گرایش به یافتن تناقض در قرآن داشت. او از عالمان و فیلسوفان عراق بود و مشغول نوشتن کتابی به نام «ناقض قرآن» شد. یکی از شاگردان کندی به محضر امام عسکری علیه السلام مشرف شد. امام به وی فرمودند: آیا شخص رشیدی در میان شما نیست که بتواند مانع استادان - یعنی کندی - شود؟

او گفت:

ما شاگردان را چه رسد که به استاد اعتراض کنیم؛ چون علم چنین مقابله‌ای را نداریم.

امام علیه السلام فرمودند:

اگر به تو آموزش بدهم، حاضری به او بگویی؟

گفت:

آری.

امام فرمودند:

نزد استادت برو و با او رفاقت فراوان کن و در کارها به او کمک کن تا به او نزدیک شوی. آنگاه چنین بپرس: که ای استاد، مسأله‌ای برایم پیش آمده و می‌خواهم از شما سؤال کنم. استادت خواهد گفت: بپرس. تو چنین بگو: اگر گوینده این کتاب قرآن، یعنی خداوند، نزد تو بیاید، امکان دارد که به تو بگوید آنچه تو از کلام من فهمیدی، درست نیست و مراد من، غیر از آن است؟ استادت خواهد گفت: آری. آنگاه بگو: شاید مقصود خدا غیر آن است که تو فهمیده‌ای و خیال کرده‌ای که تناقضی وجود دارد.

شاگرد کندی همان کار را کرد و قضیه همان‌طور شد که امام حسن عسکری علیه السلام فرموده بود. سپس کندی از شاگردش پرسید:

این که گفتی، نه به عقل تو می‌رسد و نه مشابهان تو! راست بگو از کجا آوردی؟

---

که خیالش راحت می‌شود، در انتها خطاب به امام چنین می‌گوید: «فَرَجَتْ عَنِّي؛ فَرَّخَ اللَّهُ عَنكَ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ وَ نَفَعَ اللَّهُ الْمُسْلِمِينَ بِكَ» یعنی برای من گشایش ایجاد کردی و عقده فکری مرا گشود، ای امیر مؤمنان؛ خداوند برایت گشایش ایجاد کند و مسلمانان از شما بهره ببرند. (التوحید، ص ۲۵۴)

شاگرد، ماجرا را گفت. اسحاق کندی در نهایت چنین گفت:

چنین سخنی، جز از چنان خاندانی بر نمی‌آید.

کندی در پی این سخن، از کار خویش پشیمان شد و همه آنچه جمع کرده بود را سوزاند.<sup>۹</sup> این فرمایش امام علیه السلام می‌تواند یک روش کاربردی عام برای مفسران باشد که در هیچ آیه‌ای به تفسیری متناقض از قرآن کریم نرسند و احتمال خطای در برداشت را ممکن بشمارند.

## ۲/۱. فهم غلط از مفهوم «بداء» در قرآن و پاسخ امام حسن عسکری علیه السلام

یکی از مفاهیم اعتقادی شیعه، مفهوم «بداء» است. بداء در لغت به معنای آشکارشدن و در اصطلاح علم کلام، طبق تعریف مشهور در میان عالمان معاصر شیعه، به تغییر در مقدرات غیر حتمی خداوند در پی افعال اختیاری انسان و پاره‌ای حوادث و وقایع و شرایط و عوامل ویژه، اطلاق می‌گردد.<sup>۱۰</sup> طبق این اعتقاد، تغییراتی که در احکام ایجاد می‌شود، ناشی از علم جدید خدا نیست؛ چراکه علم خداوند، ازلی است و اینگونه نیست که از منافع یا ضررهای یک حکم آگاه نبوده و سپس آگاه شده باشد! بلکه خداوند به جهت مصالحی، برخی احکام را به صورت‌های مختلف ابلاغ می‌کند.

در این باب، پژوهش‌های فراوانی انجام شده و منبع‌شناسی آن نیز چاپ شده است.<sup>۱۱</sup> اعتقاد شیعیان به بداء بر اساس عقل و نقل است و روایات فراوان شیعه، خصوصاً در اصول کافی، زوایای بحث را در حوزه نظری و مصداقی روشن می‌سازد.<sup>۱۲</sup>

یهودیان معتقد بودند که خدا خالق همه چیز است؛ ولی پس از خلقت، دست او بسته است و نمی‌تواند در تصمیم‌های خود تغییری ایجاد کند. خداوند متعال در این آیه، سخن آنها و جواب خود را تبیین می‌کند:

وَ قَالَتِ الْيَهُودُ يَدُ اللَّهِ مَغْلُولَةٌ غُلَّتْ أَيْدِيهِمْ وَ لُعِنُوا بِمَا قَالُوا بَلْ يَدَاهُ

مَبْسُوطَتَانِ.<sup>۱۳</sup>

یهودیان گفتند: دست خدا بسته است. دست‌هایشان بسته باد و به خاطر این حرف ناروا به لعنت پروردگار گرفتار شدند؛ بلکه دست‌های پروردگار باز است.

۹. بحار الانوار، ج ۵۰، ص ۳۱۱.

۱۰. ن. کة المیزان، ج ۱۱، ص ۳۸۱.

۱۱. مقاله منبع‌شناسی بداء، مجله سفینه، ش ۵۳.

۱۲. ن. کة مقاله مطالعه تطبیقی احادیث بداء در اصول کافی با قرآن، مجله پژوهشنامه کلام تطبیقی شیعه، ش ۲.

۱۳. المائدة، ۶۴.

یکی از شبهه‌هایی که در زمان امام حسن عسکری علیه السلام و در حضور ایشان تکرار شد، همین موضوع با تکیه بر مسأله تغییر قبله بود. مخالفان معتقد بودند که تغییر قبله از نوع «تغییر حکم به جهت ندانستن عاقبت کار» بوده است. رسول اکرم صلی الله علیه و آله مدت ۱۳ سال در مکه و نیز مدتی در مدینه به سوی بیت المقدس نماز خواندند. سپس بر اساس آیات ۱۴۲ تا ۱۵۱ سوره بقره، قبله مسلمانان به مکه مکرّمه تغییر یافت. امام عسکری علیه السلام در پاسخ به شبهه «تغییر حکم به جهت ندانستن عاقبت کار» فرمودند:

رسول خدا صلی الله علیه و آله تا زمانی که در مکه بودند، مأموریت داشتند که در نماز طوری بایستند که هم مکه و هم بیت المقدس در یک راستا مقابل او باشد و اگر امکان نداشت، تنها به سوی بیت المقدس نماز کنند. وقتی به مدینه رفتند، حدود ۱۶ ماه به همین شکل ادامه دادند. یهود مدینه از سر افتخار و مباحثات، گفتند: محمد می‌گوید دین جدید آورده، ولی به قبله ما نماز می‌خواند! پیامبر صلی الله علیه و آله دعا کردند و آیات ناظر بر قبله جدید نازل شد. یهودیان خدمت رسول خدا صلی الله علیه و آله آمده و گفتند:

ای محمد، مدت ۱۴ سال رو به بیت المقدس نماز خواندی و حالا تغییر دادی. آیا عمل قبلی حق بود و اینک باطل است؟ یا عمل قبلی باطل بود و اینک حق است؟ چگونه مطمئن باشیم که عمل فعلی تو نیز باطل نباشد (و بعداً آن را تغییر ندهی)؟ پیامبر صلی الله علیه و آله به ایشان فرمودند: شما ابتدا روزهای شنبه کار می‌کردید، ولی بعداً تغییر دادید و شنبه را تعطیل نموده و بقیه هفته کار می‌کنید. کدام یک حق بود و کدام باطل؟ هر جوابی که شما به این سؤال بدهید، جواب من هم خواهد بود. گفتند: ابتدا کار ما حق و درست بوده و الان هم حق است. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: بیت المقدس و کعبه هم هر دو حق هستند و هیچ‌یک باطل نیستند. یهودیان گفتند: آیا هنگام تغییر قبله، برای خدا علم جدید و امر تازه‌ای ایجاد شده که از رأی خود برگشته و فرمان جدیدی داده؟ پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: خیر، خداوند، دانا به آغاز و پایان هر امری است. نه خطایی از او سر می‌زند و نه عقیده‌اش تغییر می‌کند. آیا قبول دارید که خود خدا، برخی را بیمار می‌کند و خودش شفا می‌دهد؟ یهودیان گفتند: آری. فرمود: آیا قبول دارید که خدا زنده می‌کند و می‌میراند؟ یهودیان گفتند: آری. فرمود: آیا در این موارد، امر تازه‌ای بر خدا مکشوف شده که از رأی قبلی منصرف

شده و فعل جدیدی انجام داده؟ گفتند: نه. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: در موضوع قبله نیز همین طور است. خداوند، زمانی بیت المقدس را قبله قرار داد و زمانی دیگر کعبه را. همه افعال او بر اساس مصلحت و به اقتضای زمان است.

در اینجا و پس از نقل پاسخ پیامبر صلی الله علیه و آله، یکی از اصحاب امام حسن عسکری علیه السلام پرسید:

چرا خداوند از ابتدا کعبه را قبله قرار نداد؟

امام علیه السلام مانند معصومان قبل از خود، جواب را از قرآن برگرفتند که این روش، آموزشی برای شیعیان است و نشان می‌دهد که باید پرسش‌ها و دغدغه‌ها را به قرآن عرضه کرد و پاسخ گرفت. لذا فرمودند:

جواب تو در این آیه است که فرموده: **وَ مَا جَعَلْنَا الْقِبْلَةَ الَّتِي كُنْتَ**

**عَلَيْهَا اِلَّا لِنَعْلَمَ مَنْ يَتَّبِعُ الرَّسُولَ مِمَّنْ يَنْقَلِبُ عَلٰى عَقْبَيْهِ وَ اِنْ كَانَتْ**

**لِكَبِيْرَةٍ اِلَّا عَلٰى الَّذِيْنَ هَدٰى اللّٰهُ. ۱۴** توجّه به بیت المقدس برای مکیان

بسیار سخت بود و خدا می‌خواست آنها را امتحان کند تا معلوم شود چه

کسی اطاعت رسول می‌کند و نیز در مدینه، توجّه به مکه برای اهل

مدینه و یهود و نصاری سخت بود و برای آنها نیز امتحان بزرگی بود تا

گروه حق پرست و پیروی کننده از رسول خدا از دیگران متمایز شوند. ۱۵

بنابراین تغییر حکم، برای تمایز مؤمنان حقیقی از منافقان و کافران، بوده است.

### ۳/۱. اتهام قدیم بودن به قرآن و رد آن توسط امام حسن عسکری علیه السلام

یکی از مسائلی که در عصر عباسیان درباره قرآن کریم مطرح شد، «قدیم بودن قرآن» یا «مخلوق بودن

قرآن» است. به بهانه این موضوع، خون‌های زیادی ریخته شد و بسیاری از مسلمانان به زندان افتادند؛

به حدّی که آن دوره «دوره محنت» نامیده شد. دشمنان اسلام این موضوع را بزرگ می‌کردند تا موافقان

و مخالفان در مصاف یکدیگر قرار گیرند. خلفای عباسی نیز برای آن که مخالفان خود را سرگرم سازند،

به این ماجرا دامن زده و مخالفان خود را به زندان می‌افکندند. جالب اینجاست که رأی خلفا در این باب

یکسان نبوده و مسأله، رنگ سیاسی به خود گرفته بود.

۱۴. البقرة، ۱۴۳. (ما آن قبله‌ای را که قبلاً بر آن روی می‌آوردید، بدین جهت قرار دادیم تا آنکه بدانیم چه کسی تابع پیغمبر می‌شود

و چه کسی روی برمی‌گرداند. گرچه این کار جز برای کسانی که خداوند هدایتشان کرده، دشوار بود.)

۱۵. الاحتجاج علی اهل اللجاج، ج ۱، ص ۴۰.



برخی می‌گفتند که چون نازل کننده قرآن، قدیم است و از ازل وجود داشته، پس قرآن هم که سخن و کلام اوست، قدیم است. معصومان علیهم‌السلام پیوسته با این رأی مخالفت کرده و قرآن را از مخلوقات خدا معرفی می‌کردند. آنها قائلان به قدیم بودن قرآن را «واردشدگان در بدعت» شمردند. فراوانی احادیث در این باب، نشان از گسترش شبهه و گفت‌وگو در این حوزه دارد. این احادیث گاهی به صورت حضوری ابراز شده و گاهی در نامه‌ها مطرح شده است. امام حسن عسکری علیه‌السلام نیز همانند بقیه امامان، به دفاع از قرآن و اصلاح اعتقادات مردم پرداختند. در روایت ذیل، افزون بر موضوع مورد بحث، علم امام به غیب نیز مشهود است. ابوهاشم می‌گوید:

با خودم گفتم: دوست دارم بدانم که دیدگاه ابومحمد عسکری درباره قرآن چیست؟ آیا معتقد است که قرآن آفریده شده (و مخلوق است) یا نه (قدیم است)؟ هنوز سخنی نگفته بودم که امام حسن عسکری علیه‌السلام به من رو کرده و فرمود: آیا حدیث جدّم امام صادق علیه‌السلام به تو نرسیده است؟ آنجا که فرمود: آنگاه که سوره «قل هو الله» نازل شد، خداوند برای آن ۴۰۰۰ بال آفرید. پس این سوره، بر هر گروهی از ملائکه می‌گذشت، ملائکه تعظیم کرده و می‌گفتند این سوره، نَسَبِ خداوند است.<sup>۱۶</sup> منظور امام حسن عسکری علیه‌السلام این است که اگر قرآن قدیم بود، امام صادق علیه‌السلام نمی‌فرمود که «وقتی نازل شد» و نمی‌فرمود که «برای آن ۴۰۰۰ بال آفرید» که هر دو، نشانه مخلوق بودن قرآن است. در روایتی دیگر، همین شخص یعنی ابوهاشم سؤال می‌کند که قرآن، مخلوق و آفریده است یا نه؟ امام حسن عسکری علیه‌السلام در پاسخ او قاطعانه و صریح می‌فرماید: ای ابوهاشم! خداوند، خالق و آفریدگار همه چیز است و هر چه جز خودش، مخلوق اوست.<sup>۱۷</sup>

## ۲. پاسداری از مفاهیم قرآن و تفسیر صحیح آن

امام حسن عسکری علیه‌السلام مانند اجداد طاهری نشان اهتمام جدی داشتند تا مفهوم برخی از آیات را روشن سازند و روش صحیح تفسیر قرآن را به مردم بیاموزند. از آنجا که ایشان، بیش از بقیه امامان به

۱۶. نور الثقلین، ج ۵، ص ۷۰۶.

۱۷. ریاض الابرار فی مناقب الائمة الاطهار، ج ۲، ص ۴۹۳.

عصر غیبت امام مهدی علیه السلام، نزدیک بودند، برای تهیه مقدمات غیبت نیز تلاش می‌کردند. یکی از این تلاش‌ها یاد دادن روش صحیح فهم قرآن کریم است. اکنون این روش‌ها از فرمایشات ایشان قابل برداشت است.<sup>۱۸</sup> گفتنی است، اعتبار کتاب تفسیری که به امام حسن عسکری علیه السلام منسوب است، جای تردید دارد و سخن از آن، در گنجایش این مقال نیست.<sup>۱۹</sup>

## ج) امام حسن عسکری علیه السلام و موضوع اعجاز قرآن

قرآن کریم، خود را وحی الهی دانسته و این که کسی بتواند همانند قرآن را بیاورد نفی کرده است.

**۱. اعجاز بیانی، معارفی و هدایتی قرآن کریم در سخن امام حسن عسکری علیه السلام**

معارف قرآن کریم در قالب واژگانی که برای بشر، مفهوم است، تبیین شده؛ اما هیچ‌یک از افراد بشر، نتوانسته‌اند چنین معارفی را بیاورند. در همین راستا امام حسن عسکری علیه السلام در روایتی ضمن توضیح حروف مقطعه می‌فرمایند:

كَذَّبَتْ قُرَيْشٌ وَ الْيَهُودُ بِالْقُرْآنِ وَ قَالُوا: «سِحْرٌ مُّبِينٌ» تَقَوْلُهُ. فَقَالَ  
 اللَّهُ: «الْم، ذَلِكَ الْكِتَابُ» آي يَا مُحَمَّدُ هَذَا الْكِتَابُ الَّذِي أَنْزَلْنَاهُ عَلَيْكَ  
 هُوَ الْحُرُوفُ الْمُقَطَّعَةُ الَّتِي مِنْهَا أَلِفٌ لَامٌ مِيمٌ وَ هُوَ بَلَّغْتَكُمْ وَ حُرُوفِ  
 هِجَائِكُمْ فَأَتُوا بِمِثْلِهِ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ وَ اسْتَعِينُوا عَلَى ذَلِكَ بِسَائِرِ  
 شُهَدَائِكُمْ ثُمَّ بَيْنَ أَيْتِهِمْ لَا يَقْدِرُونَ عَلَيْهِ بِقَوْلِهِ: «قُلْ لَئِنْ اجْتَمَعَتِ  
 الْإِنْسُ وَ الْجِنُّ عَلَى أَنْ يَأْتُوا بِمِثْلِ هَذَا الْقُرْآنِ لَا يَأْتُونَ بِمِثْلِهِ وَ لَوْ كَانَ  
 بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ ظَهِيرًا».<sup>۲۰</sup>

قریش و یهود، قرآن را تکذیب کردند و گفتند که سحر آشکار است و پیامبر از خودش گفته. پس خدا جواب آنها را با آیات خود داد که: الف، لام، میم، این کتاب است. یعنی ای محمد، این کتابی که بر تو فرو فرستادیم، همان حروف جداگانه و قطعه‌قطعه است (نه بیشتر از آن) مثلاً الف و لام و میم؛ یعنی همان حروف الفبای خودتان. پس اگر راست می‌گویید، مثل قرآن را بیاورید و از دیگران نیز یاری بطلبید. سپس خداوند با آیه‌ای دیگر تصریح کرد که بر این

۱۸. ن. کذ کتاب از دریا به آسمان.

۱۹. ن. کذ کتاب بررسی صحت و اعتبار روایات تفسیر منسوب به امام حسن عسکری علیه السلام.

۲۰. الاسراء، ۹۱.

عمل، قادر نخواهید بود، آنجا که در آیه ۹۱ سوره اسراء فرمود: بگو حتی اگر همه جن و انس جمع شوند تا مثل این قرآن را بیاورند، نمی‌توانند چنین کاری را انجام دهند، حتی اگر همه یاور هم شوند.<sup>۲۱</sup>

این سخن امام اشاره به اعجاز معارفی و محتوایی قرآن کریم دارد؛ چراکه قرآن را تشکیل یافته از همین حروف و لغاتی شمرده‌اند که مردم از آن استفاده می‌کنند؛ اما نمی‌توانند با همین حروف و لغاتی که می‌شناسند، مانند قرآن را بیاورند. بنابراین این سخنان از لحاظ علمی و شناختی در جایگاه بلندمرتبه‌ای است که انسان‌ها توانایی آوردن آن را ندارند.

اعجاز هدایتی قرآن نیز به معنای آن است که اگر کسی بدون لجاجت به معارف این کتاب آسمانی بنگرد، هدایت می‌شود. مسلمان شدن بیش از یک و نیم میلیارد انسان در جهان کنونی و گرایش به سمت اسلام در طول تاریخ، حتی در میان حاکمانی چون مغولان، گواه این اعجاز در اثرگذاری است.

در سخنان امام حسن عسکری علیه السلام به هدایت بودن قرآن اشاره شده است. ایشان می‌فرمایند:

«فَإِنَّهُ نَزَّلَهُ» فَإِنَّ جِبْرَائِيلَ نَزَّلَ هَذَا الْقُرْآنَ «عَلَى قَلْبِكَ بِإِذْنِ اللَّهِ» بِأَمْرِ اللَّهِ «مُصَدِّقًا لِمَا بَيْنَ يَدَيْهِ» مِنْ سَائِرِ كُتُبِ اللَّهِ «وَهُدًى» مِنَ الصَّلَاةِ.<sup>۲۲</sup>

در این سخن که در تفسیر آیه ۹۷ سوره مبارکه بقره، نقل شده، هدایت بودن قرآن کریم مورد توجه قرار گرفته و جبرئیل علیه السلام واسطه رساندن هدایت به رسول خدا صلی الله علیه و آله شمرده شده است.

## ۲. اعجاز عدم اختلاف و اخبار غیبی موجود در قرآن در سخن امام حسن عسکری علیه السلام

موضوع برخورد امام حسن عسکری علیه السلام با اسحاق کندی و دفاع ایشان از قرآن کریم که موجب اقناع او شد، گذشت. امام علیه السلام با یک پرسش منطقی او را از نگارش کتاب منصرف کردند. با توجه به موضوع کتاب اسحاق کندی که طبق توهم او درباره تناقضات ادعایی قرآن کریم بود، روشن می‌شود که امام حسن عسکری علیه السلام درصدد اثبات اعجاز عدم اختلاف و تناقض در قرآن بودند؛ اعجازی که از آیات قرآن کریم نیز قابل برداشت است.<sup>۲۳</sup>

۲۱. معانی الاخبار، ص ۲۴.

۲۲. تفسیر منسوب به امام حسن عسکری علیه السلام، ص ۴۵۶.

۲۳. ن. کذ النساء، ۸۲.

از سوی دیگر، قرآن کریم پُر از دانش‌های الهی است. علم امام علیه السلام نیز برگرفته از قرآن کریم و موهبت الهی است. شخصی از امام عسکری علیه السلام پرسید:

آیا تمام علم قرآن را جمع کردی (و دارای تمام علم قرآن هستی)؟

امام علیه السلام پاسخ دادند:

قَدْ جَمَعْتُ خَيْرًا كَثِيرًا، وَ أُوْتِيتُ فَضْلًا وَاسِعًا، لَكِنَّهُ مَعَ ذَلِكَ أَقَلُّ قَلِيلٍ [مِنْ] أَجْزَاءِ عِلْمِ الْقُرْآنِ، إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ يَقُولُ: «قُلْ لَوْ كَانَ الْبَحْرُ مِدَادًا لِكَلِمَاتِ رَبِّي لَنَفَدَ الْبَحْرُ قَبْلَ أَنْ تَنْفَدَ كَلِمَاتُ رَبِّي وَ لَوْ جِئْنَا بِمِثْلِهِ مَدَدًا»<sup>۲۴</sup> وَ يَقُولُ: «وَ لَوْ أَنَّ مَا فِي الْأَرْضِ مِنْ شَجَرَةٍ أَقْلَامٌ وَ الْبَحْرُ يَمُدُّهُ مِنْ بَعْدِهِ سَبْعَةُ أَبْحُرٍ مَا نَفَدَتْ كَلِمَاتُ اللَّهِ»<sup>۲۵</sup> وَ هَذَا عِلْمُ الْقُرْآنِ وَ مَعَانِيهِ، وَ مَا أَوْدَعَ مِنْ عَجَائِبِهِ، فَكَمْ تَرَى مِقْدَارَ مَا أَخَذْتَهُ مِنْ جَمِيعِ هَذَا [الْقُرْآنِ] وَ لَكِنَّ الْقَدْرَ الَّذِي أَخَذْتَهُ، قَدْ فَضَّلَكَ اللَّهُ تَعَالَى بِهِ عَلَى كُلِّ مَنْ لَا يَعْلَمُ كَعِلْمِكَ، وَ لَا يَفْهَمُ كَفَهْمِكَ.<sup>۲۶</sup>

من علم فراوانی دارم و فضل گسترده‌ای به من عطا شده، با این حال، همه علم من بخشی از علوم موجود در قرآن است. چراکه (علم قرآن بی‌نهایت است) و خدا درباره وسعت محتوای قرآن فرموده: اگر همه درختان که در زمین وجود دارد، قلم شود و همه دریاها مرکب شود، کلمات خدا تمام نخواهد شد. این است علم قرآن و معانی آن و عجائبی که در آن به ودیعت نهاده شده؛ پس ببین تو چه قدر از علم قرآن را می‌دانی ...

بر پایه این حدیث، عظمت علم قرآن کریم به حدی است که بخشی از آن به امام رسیده و این عظمت علمی، خود، معجزه دیگری است. یکی از جلوه‌های این معجزه، اخبار غیبی موجود در قرآن است. خبر غیبی، منحصر در امور آینده نیست؛ بلکه سه بخش گذشته، حال و آینده را در بر می‌گیرد. در قرآن کریم هر سه نوع خبر یافت می‌شود. ماجرای آدم علیه السلام و حوا، زندگی پیامبران پیشین و اصحاب کهف، راهی جز وحی و غیب برای دانستنش نیست. ماجرای شکست روم که در زمان نزول قرآن پیش‌بینی شد و بعدها به وقوع پیوست نیز نمونه‌ای از اخبار وحیانی مربوط به آینده است. این نوع از گزاره‌های قرآنی «اعجاز غیبی» یا «اعجاز اخبار به غیب» را شکل داده است. امام حسن عسکری علیه السلام

۲۴. الکهف، ۱۰۹.

۲۵. لقمان، ۲۷.

۲۶. تفسیر منسوب به امام حسن عسکری علیه السلام، ص ۱۱.

به موضوع اعجاز غیبی قرآن کریم اشاره کرده‌اند. ایشان از هبوط آدم علیه السلام و حوا و برخی امور دیگر و طرح آن در قرآن کریم سخن می‌گویند.<sup>۳۷</sup> این سخنان نشان‌دهنده تلاش امام برای دفاع از قرآن کریم با محوریت اعجاز غیبی آن است.

## نتیجه

امام حسن عسکری علیه السلام برای دفاع از قرآن، تلاش‌هایی را سامان دادند. ایشان به شبهات پاسخ می‌گفتند و برداشت رایج غلط درباره قرآن را تصحیح می‌کردند. در سخن ایشان اشاراتی به اعجاز ادبی و بیانی، تشریحی، علمی، غیبی، هدایتی و معارفی و اعجاز عدم اختلاف در قرآن کریم وجود دارد. همچنین تحدی قرآن کریم در حدیث امام عسکری علیه السلام مورد اشاره قرار گرفته و دال بر عظمت این کتاب آسمانی شمرده شده است. امام علیه السلام به تفسیر قرآن و نیز تفسیر مسائل غیبی موجود در آیات نیز پرداخته‌اند.

## کتاب‌نامه

۱. قرآن کریم.
۲. الاحتجاج علی اهل اللجاج، احمد بن علی طبرسی، مشهد، اول، ۱۴۰۳ق.
۳. از دریا به آسمان (اصول تفسیر برگرفته از روایات اهل بیت علیهم السلام)، زهره اخوان مقدم، انتشارات امام صادق علیه السلام، ۱۳۹۴ش.
۴. بحار الانوار، محمد باقر بن محمد تقی مجلسی، بیروت، دوم، ۱۴۰۳ق.
۵. بررسی صحت و اعتبار روایات تفسیر منسوب به امام حسن عسکری علیه السلام، سیده فاطمه هاشمی، بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی، ۱۳۸۸ش.
۶. بیان در علوم و مسایل کلی قرآن، ابوالقاسم خویی، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، اول، ۱۳۸۲ش.
۷. التفسیر المنسوب إلى الامام الحسن العسکری علیه السلام، قم، مدرسة الامام المهدي علیه السلام، اول، ۱۴۰۹ق.
۸. تفسیر نور الثقلین، عبد علی بن جمعة عروسی حویزی، قم، چهارم، ۱۴۱۵ق.
۹. ریاض الابرار فی مناقب الائمة الاطهار علیهم السلام، نعمت‌الله بن عبدالله جزائری، بیروت، اول، ۱۴۲۷ق.
۱۰. مفردات الفاظ القرآن الکریم، حسین بن محمد راغب اصفهانی، تحقیق صفوان عدنان داوودی، بیروت، دار الشامیة، ۱۴۱۲ق.
۱۱. مقاله قرآن و آیات تحدی (نقد خاستگاه، مبانی و چینش)، زهره اخوان مقدم، مجله گلستان قرآن، ش ۹ و ۱۱، ۱۳۹۵ش.
۱۲. مقاله مطالعه تطبیقی احادیث بداء در اصول کافی با قرآن، زهره اخوان مقدم و فرشته طاهری، مجله پژوهشنامه کلام تطبیقی شیعه، ش ۲، ۱۳۹۸ش.
۱۳. مقاله منبع‌شناسی بداء، زهره اخوان مقدم و سید مجید نبوی، مجله سفینه، ش ۵۳، ۱۳۹۵ش.

۳۷. تفسیر منسوب به امام حسن عسکری علیه السلام، ص ۱۱.